

سند تفصیلی بر نامه ششم
اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
استان گیلان
بخش بانوان و خانواده

سراغاز

اهمیت پرداختن به موضوع «بانوان و خانواده» ریشه در اهمیت نهاد خانواده دارد. نهاد مقدس خانواده، رکن بنیادین اجتماع بشری است. اولین شرط داشتن جامعه‌ای سالم و پویا، سلامت و پایداری خانواده است. بدون خانواده، نه تنها هویت انسانی بشر نابود می‌شود، بلکه همه‌ی تلاش‌های فردی و اجتماعی نیز بی‌ثمر و نافرجام خواهد ماند. از سوی دیگر وقتی که صحبت از نیروی انسانی به میان می‌آید، باید توجه داشت که نیمی از جمعیت کشور و نیمی از نیروی انسانی جامعه، بانوان هستند. بنابراین بدون توجه جدی به بانوان، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری به معنای حقیقی و در سطح وسیع آن، شدنی نیست. در این سند امر بانوان و خانواده از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است.

۱- بررسی عملکرد گذشته و تبیین وضع موجود بخش زنان و خانواده

۱-۱- توصیف و تحلیل وضع موجود

۱-۱-۱- بررسی روند ازدواج و طلاق

بر اساس اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ از کل جمعیت استان، ۷۰۹۷ نفر مجرد قطعی (۵۰ ساله و بیشتر) گزارش شده است؛ که از این تعداد ۲۹۲۵ نفر مرد و ۴۱۷۲ نفر زن هستند. سهم قابل توجهی از جمعیت هرگز ازدواج نکرده استان، در سال ۱۳۹۰ که در سن متعارف ازدواج (مردان ۲۰ تا ۳۴ سال و زنان ۱۵ تا ۲۹ سال) هستند، تحصیلات عالی دارند (مردان ۱۶/۳ درصد و زنان ۲۳/۴). تغییرات شاخص پیش‌رسی ازدواج برای مردان و زنان

روند کاهشی داشته است. به گونه‌ای که در استان گیلان در سال ۱۳۹۳ تنها ۲ مورد ازدواج مرد زیر ۱۵ سال گزارش شده است. این رقم برای زنان در این سال (زنان کمتر از ۱۰ سال) صفر مورد بوده است.

در نتیجه تصمیم دختران و پسران در به تعویق انداختن تشکیل خانواده و افزایش میانگین سن ازدواج، بر اساس گزارش سازمان ثبت احوال استان از سال ۱۳۸۵ تاکنون، سهم ازدواج‌های بالای ۳۰ سال برای زنان و بالای ۳۵ سال برای مردان در حال افزایش است به طوری که در سال ۱۳۹۳، ۱۷/۶ درصد زنان هنگام ازدواج بالای ۳۰ سال و ۱۱/۸ درصد از مردان بیش از ۳۵ سال سن داشته اند. به طور کلی افزایش سن ازدواج برای زنان بیشتر از مردان بوده است. طی این دوره اختلاف سن زوجین روندی نزولی داشته به طوری که بیشترین فراوانی ازدواج‌های ثبت شده در استان در سال‌های ۹۳-۱۳۹۰ مربوط به زوجین هم‌سن بوده است.

نرخ ازدواج ثبت شده یا تعداد ازدواج در هزار نفر جمعیت در کشور و استان از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ روند کاهشی داشته است؛ این در حالی است که نرخ طلاق ثبت شده در کشور و استان (تعداد طلاق در هزار نفر جمعیت) در این سال‌ها روند افزایشی داشته است. شاخص نسبت ازدواج به طلاق در سال ۱۳۸۴ نشان می‌دهد که در استان گیلان، برابر تقریباً هر ۱۱ ازدواج یک طلاق اتفاق افتاده است و با روند کاهشی قابل توجهی به رقم یک طلاق در برابر ۳ ازدواج در سال ۱۳۹۳ رسیده است. براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰، در استان گیلان ۰/۸ درصد مردان ۱۰ ساله و بالاتر و ۱/۴ درصد زنان ۱۰ ساله و بالاتر در وضعیت طلاق بوده‌اند. یکی از دلایل آن که زنان بیشتر از مردان در وضعیت طلاق به سر می‌برند، ناشی از عدم گرایش و یا فرصت‌های کمتر زنان پس از طلاق به ازدواج مجدد در مقایسه با مردان است. همچنین بر اساس سالنامه‌ی آمارهای جمعیتی اداره‌ی کل ثبت احوال استان در سال ۱۳۹۳، حدود ۷/۴ درصد از طلاق‌ها در استان در سال اول زندگی مشترک و حدود ۳۴/۴ درصد در ۵ سال اول پس از ازدواج رخ می‌دهد که نشان از بی‌ثباتی نسبی خانواده‌های نوپا در استان دارد. توزیع نسبی طلاق بر حسب گروه‌های سنی در سال ۱۳۹۳ برای مردان و زنان نشان می‌دهد که بیشترین میزان طلاق ثبت شده در

استان همانند کشور، برای زنان مربوط به گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ سال و برای مردان مربوط به گروه سنی ۳۰ تا ۳۴ سال است. الگوی سنی طلاق زوجین تا حد زیادی تابع الگوی سنی ازدواج است.

بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان گیلان طی سال‌های ۹۰-۱۳۷۵ بعد خانوار روند کاهشی داشته است. به طوری که از ۴/۴ نفر در سال ۱۳۷۵ به ۳/۲ نفر در سال ۱۳۹۰ رسیده است. همچنین در مقایسه ی بعد خانوار مناطق شهری و روستایی استان می‌توان گفت که در تمام سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ متوسط بعد خانوار مناطق شهری پایین‌تر از متوسط بعد خانوار مناطق روستایی کشور بوده است. قابل‌ذکر است که فاصله بعد خانوار در میان خانوارهای ساکن در مناطق شهری و روستایی در گذر زمان کاهش یافته و در سال ۱۳۹۰ به‌ترتیب با رقم ۳/۱۸ و ۳/۲۱ بسیار به هم نزدیک بوده است.

بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان گیلان در سال ۱۳۹۰ از کل سرپرستان خانواری که مرد هستند، حدود ۱۱/۴ درصد در گروه‌های سنی کمتر از ۳۰ سال قرار دارند، این در حالی است که از کل زنانی که سرپرست خانوار هستند، حدود ۳/۲ درصد در گروه‌های سنی کمتر از ۳۰ سال قرار دارند. بیشترین درصد زنان سرپرست خانوار استان در گروه‌های سنی ۵۰ سال و بالاتر قرار دارند (۷۴/۱ درصد). درحالی‌که بیشترین درصد مردان سرپرست خانوار در سنین ۳۰ تا ۵۰ سال قرار دارند (۵۰ درصد)؛ که بیان‌گر سال‌خورده بودن زنان سرپرست خانوار در مقابل مردان سرپرست خانوار می‌باشد. احتمال ازدواج مجدد در زنان بی‌همسر ۵۰ ساله و بیشتر بسیار کمتر از مردان با همین شرایط می‌باشد که موجب بالا رفتن آمارهای مربوط به زنان سرپرست خانوار در گروه‌های سنی مذکور است.

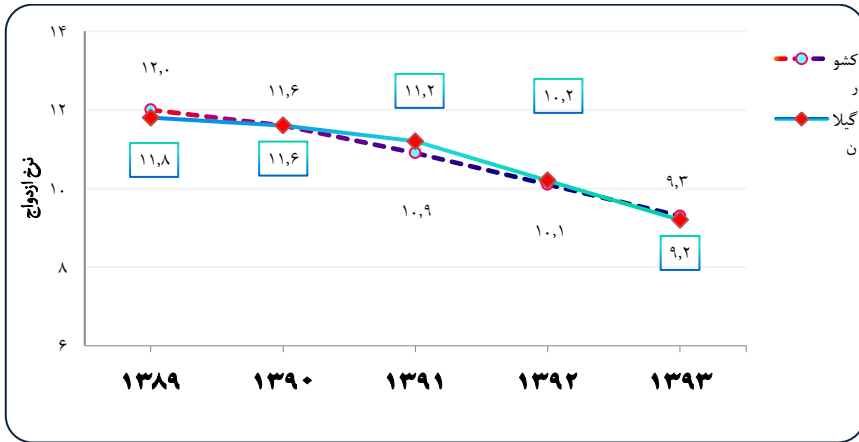
بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان گیلان در سال ۱۳۹۰، حدود ۲۷/۸ درصد زنان سرپرست خانوار شاغل و یا در جستجوی کار بوده‌اند. حدود ۳۶/۸ درصد دارای

درآمد بدون کار اعلام شده‌اند. به طور کلی حدود ۷۳/۸ درصد از زنان سرپرست خانوار شغلی برای تأمین هزینه‌های زندگی ندارند.

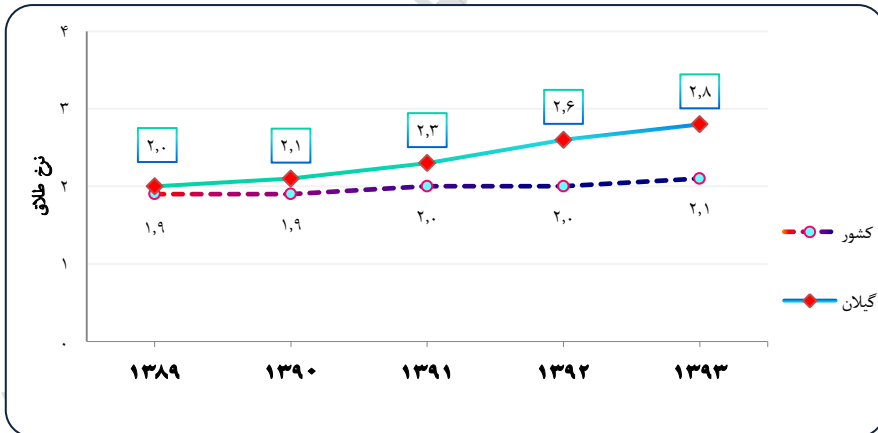
جدول ۱- رشد متوسط شاخص‌های نرخ ازدواج و طلاق در کشور و استان گیلان طی سالهای برنامه چهارم و پنجم

ردیف	هدف کمی/عنوان شاخص		واحد متعارف		سال‌های برنامه پنجم		رشد برنامه پنجم / متوسط دوره (درصد)	سال‌های برنامه چهارم		رشد برنامه پنجم / متوسط دوره (درصد)	
					۱۳۹۴	۱۳۹۳		۱۳۹۴	۱۳۹۳		
					۱۳۹۰	۱۳۹۱		۱۳۸۹	۱۳۸۴		
۱	نرخ ازدواج	کشور	۱۱,۴	۱۲	۱,۰۳	۱۱,۶	۱۰,۹	۱۰,۱	۹,۳	-	-۷,۱
		استان	۱۲,۱	۱۱,۸	-۰,۵	۱۱,۶	۱۱,۲	۱۰,۲	۹,۲	-	-۷,۴۴
	نسبت استان به کشور	درصد	۱۰۶,۱	۹۸,۳۳	-	۱۰۰	۱۰۲,۷۵	۱۰۱	۹۸,۹	-	-
۲	نرخ طلاق	کشور	۱,۲	۱,۹	۹,۶	۱,۹	۲	۲	۲,۱	-	۳,۳۹
		استان	۱,۱	۲	۱۲,۷	۲,۱	۲,۳	۲,۶	۲,۸	-	۱۰,۱
	نسبت استان به کشور	درصد	۹۱,۶۷	۱۰۵,۳	-	۱۱۰,۵	۱۱۵	۱۳۰	۱۳۳,۳	-	-

مأخذ: اداره کل ثبت‌احوال استان گیلان



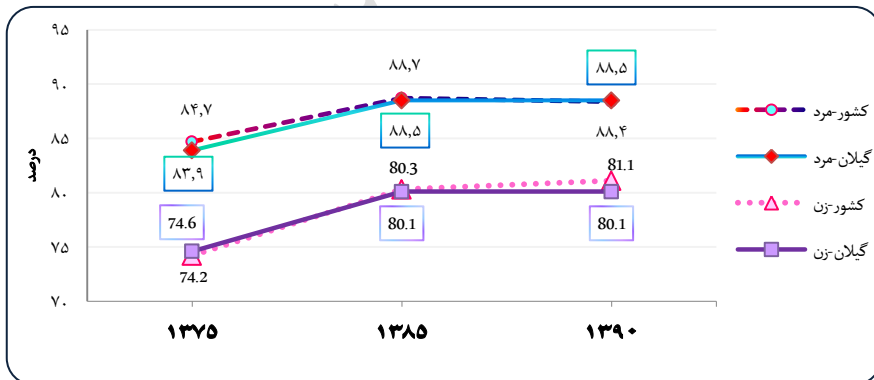
نمودار ۱- تعداد ازدواج ثبت شده در هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت کل کشور و استان گیلان



نمودار ۲- تعداد طلاق ثبت شده در هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت کل کشور و استان گیلان

۲-۱-۱- آموزش

بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ استان گیلان، وضعیت زنان ساکن در نقاط شهری به لحاظ سواد و آموزش (نرخ باسوادی: ۸۷/۶ درصد) مناسب‌تر از وضعیت زنان و مردان ساکن در نقاط روستایی (به ترتیب: ۶۸/۹ و ۸۰/۸ درصد) و نامطلوب‌تر از مردان ساکن در نقاط شهری (۹۳/۵ درصد) می‌باشد. این وضعیت در کشور نیز بر همین منوال است. در استان گیلان و کشور در نقاط شهری میزان باسوادی مردان و زنان در جمعیت ۶ ساله و بالاتر در سال ۱۳۹۰ تفاوت کمتری نسبت به میزان باسوادی مردان و زنان در جمعیت ۶ ساله و بالاتر در همین سال در نقاط روستایی دارد. همچنین در این سال باسوادی زنان روستایی استان به ۶۸/۹ درصد رسیده است. این مسئله گویای آن است که همچنان ۳۱/۱ درصد زنان روستایی ۶ ساله و بالاتر باسواد نیستند. این رقم برای مردان روستایی ۱۹/۲ بوده است. میزان باسوادی زنان روستایی در کشور برابر ۶۹/۴ درصد می‌باشد که اندکی از رقم مشابه در استان بیشتر است.



نمودار ۳- نرخ باسوادی کل کشور و استان گیلان برحسب جنس در سال‌های ۱۳۷۵،

۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

جدول ۲- شاخص باسوادی زنان در نقاط شهری و روستایی در کشور و استان گیلان در نخستین سال برنامه پنجم

ردیف	عنوان شاخص	واحد متعارف	سال‌های برنامه پنجم					رشد / متوسط دوره برنامه پنجم (درصد)
			۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	
۱	میزان باسوادی زنان در جمعیت ۶ساله و بالاتر	کشور	۸۱٫۱	-	-	-	-	-
		استان	۸۰٫۱	-	-	-	-	-
۲	میزان باسوادی زنان در جمعیت ۶ساله و بالاتر نقاط شهری	کشور	۸۵٫۶	-	-	-	-	-
		استان	۸۷٫۶	-	-	-	-	-
۳	میزان باسوادی زنان در جمعیت ۶ساله و بالاتر نقاط روستایی	کشور	۶۹٫۴	-	-	-	-	-
		استان	۶۸٫۹	-	-	-	-	-

مأخذ: مرکز آمار ایران- دفتر جمعیت، نیروی کار و سرشماری

۳-۱-۱- مشارکت اقتصادی

براساس نتایج طرح نیروی کار مرکز آمار ایران، نرخ مشارکت زنان ۱۰ساله و بیشتر استان گیلان در سال‌های ۹۴-۱۳۸۹ همواره از کشور بیشتر بوده است؛ به گونه‌ای که در سال ۱۳۹۳ استان گیلان رتبه ی پنجم نرخ مشارکت زنان ۱۰ساله و بیشتر را کسب نمود. این رتبه برای زنان مناطق شهری و روستایی استان گیلان به ترتیب، نهم و چهارم می‌باشد. در صورتی که جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر، جمعیت در سن کار فرض شود، زنان استان گیلان در سال ۱۳۹۴ با نرخ مشارکت ۳/۱۹ درصدی رتبه سوم بیشترین نرخ مشارکت اقتصادی را در سطح کشور دارا هستند. (نمودار ۴)

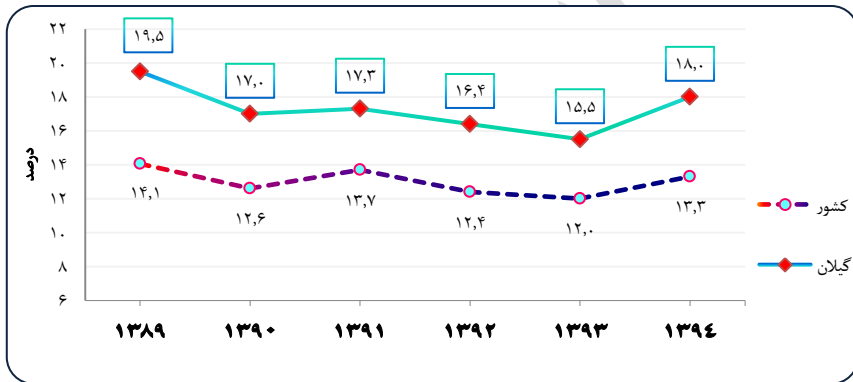
نرخ بیکاری زنان ۱۰ ساله و بالاتر، طی ۱۰ سال اخیر روند متغیری داشته است. در اغلب سال‌ها نرخ بیکاری زنان استان از زنان کشور بیشتر بوده است. این در حالی است که نرخ مشارکت زنان استان بیش از رقم متناظر در کشور بوده است. زنان استان گیلان در سال ۱۳۹۳، با کسب رتبه نوزدهم، بیشترین نرخ بیکاری را در کشور دارا هستند. این شاخص گویای وضعیت نامناسب اشتغال زنان و بازار کار در استان گیلان می‌باشد؛ زیرا با وجود این که زنان استان گیلان رتبه پنجم نرخ مشارکت اقتصادی را دارند، نرخ بیکاری آن‌ها نشان می‌دهد که نسبت به سایر استان‌ها، فرصت‌های شغلی مناسبی در اختیار زنان این استان قرار ندارد. از دیگر سو همواره نرخ بیکاری زنان بسیار بیشتر از نرخ بیکاری مردان بوده است. (جدول ۳- نمودار ۵)

جدول ۳- رشد متوسط شاخص‌های نرخ مشارکت، اشتغال و بیکاری زنان در کشور و استان گیلان طی سال‌های برنامه چهارم و پنجم

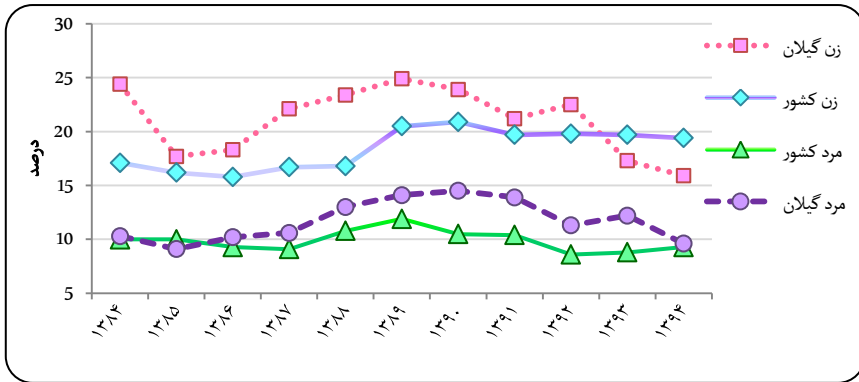
ردیف	هدف کمی/عنوان شاخص		واحد متعارف	سال‌های برنامه چهارم		رشد/برنامه پنجم (درصد)	سال‌های برنامه پنجم					رشد/برنامه پنجم (درصد)
				۱۳۸۹	۱۳۸۴		۱۳۹۴	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	
۱	نرخ مشارکت زنان	کشور استان	درصد زنان فعال در جمعیت ۱۰ساله و بالاتر	۱۴,۰۶	۱۷	-	۱۲,۶	۱۳,۷	۱۲,۴	۱۲	۱۳,۳	-
				۱۹,۵	۲۰,۸	-	۱۷	۱۷,۳	۱۶,۴	۱۵,۵	۱۸	
۲	نرخ اشتغال زنان	کشور استان	درصد زنان شاغل به‌کل جمعیت زنان فعال ۱۰ساله و بالاتر	۷۹,۴۸	۸۲,۹	-	۷۹,۱	۸۰,۳	۸۰,۲	۸۰,۳	۸۰,۶	-
				۷۵,۱	۷۵,۶	-	۷۶,۱	۷۸,۸	۷۷,۵	۸۲,۷	۸۴,۱	
۳	نرخ بیکاری	کشور	درصد زنان بیکار در	۲۰,۵۲	۱۷,۱	-	۲۰,۹	۱۹,۷	۱۹,۸	۱۹,۷	۱۹,۴	-

رشد / متوسط دوره برنامه پنجم (درصد)	سال‌های برنامه پنجم					رشد / متوسط دوره برنامه پنجم (درصد)	سال‌های برنامه چهارم		واحد متعارف	هدف کمی / عنوان شاخص	ردیف
	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰		۱۳۸۹	۱۳۸۴			
-	۱۵,۹	۱۷,۳	۲۲,۵	۲۱,۲	۲۳,۹	-	۲۴,۹	۲۴,۴	جمعیت زنان فعال ۱۰ساله و بالاتر	زنان استان	

مأخذ: مرکز آمار ایران - دفتر جمعیت، نیروی کار و سرشماری



نمودار ۴- نرخ مشارکت زنان ۱۰ ساله و بیشتر کل کشور و استان گیلان



نمودار ۵- نرخ بیکاری جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر کشور و استان گیلان برحسب جنس

در سال ۱۳۹۳ از بین زنان ۱۰ ساله و بیشتر کشور، ۹/۷ درصد از زنان شاغل بوده‌اند. از سوی دیگر ۶۴/۲ درصد از زنان، خانه‌دار هستند. این ارقام برای استان به ترتیب برابر ۱۲/۸ درصد و ۶۶/۶ درصد می‌باشد. نرخ بیکاری زنان ۱۰ ساله و بالاتر در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ در اغلب استان‌ها از جمله گیلان، در نقاط روستایی پایین‌تر از نقاط شهری بوده است. به گونه‌ای که در سال ۱۳۹۴ نرخ بیکاری زنان در نقاط شهری و روستایی در استان گیلان به ترتیب برابر ۲۱/۹ و ۷ درصد و در کشور به ترتیب برابر ۲۳/۸ و ۸/۹ درصد می‌باشد.

زنان استان گیلان در سال ۱۳۹۴ در ارتباط با شاخص سهم جمعیت دارای اشتغال ناقص زمانی^۱ جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر با رقم ۴ درصد، رتبه یازدهم بیشترین سهم اشتغال ناقص را دارا هستند. این شاخص نشان می‌دهد که در کنار نرخ بالای بیکاری زنان استان، سهم اشتغال ناقص

^۱ - اشتغال ناقص زمانی: افراد دارای اشتغال ناقص زمانی شامل تمام شاغلانی است که در هفته مرجع، حاضر در سرکار یا غایب موقت از محل کار بوده، به دلایل اقتصادی نظیر رکود کاری، پیدانکردن کار با ساعت کاری بیشتر، قراردادن در فصل غیرکاری و ... کمتر از ۴۴ ساعت کار کرده، خواهان و آماده برای انجام کار اضافی در هفته مرجع بوده‌اند.

سهم اشتغال ناقص: عبارت است از نسبت جمعیت دارای اشتغال ناقص زمانی به جمعیت شاغل، ضرب در ۱۰۰.

استان نیز قابل تأمل بوده و از سهم بالایی برخوردار است. براساس نتایج طرح نیروی کار مرکز آمار ایران، زنان استان گیلان در سال ۱۳۹۳ با رقم ۲۴/۲ درصد، رتبه نخست و در سال ۱۳۹۴ با رقم ۲۳/۶ درصد، رتبه دوم بیشترین سهم شاغلین با ساعت کار بیش از ۵۰ ساعت را دارا هستند. این امر نشان دهنده ی پویایی و تلاش قابل توجه زنان استان گیلان است.

بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰، از مجموع ۷۵۹۸۵۲ نفر جمعیت شاغل در استان گیلان، ۱۷/۹ درصد آنان (۱۳۵۹۳۱ نفر) دارای تحصیلات عالی هستند. نسبت جمعیت مردان شاغل دارای تحصیلات عالی به کل جمعیت مردان شاغل، ۱۴٫۱ درصد و نسبت زنان شاغل دارای تحصیلات عالی به کل جمعیت زنان شاغل، ۳۸٫۸ درصد است. بنابراین با افزایش سطح تحصیلات، امکان اشتغال برای این گروه از زنان بیشتر فراهم شده است.

استان گیلان در سال ۱۳۹۴ در شاخص سهم اشتغال زنان ۱۰ ساله و بالاتر در بخش کشاورزی با رقم ۳۷/۹ درصد در کشور دارای رتبه ی نهم، در بخش صنعت با رقم ۱۴/۴ درصد در کشور دارای رتبه ی بیست و ششم و در بخش خدمات در سال ۱۳۹۴ با رقم ۴۷/۵ درصد در کشور دارای رتبه ی نوزدهم بوده است.

۴-۱-۱ - تأمین اجتماعی

در ۵ سال اخیر (سالهای ۹۴-۱۳۹۰) ضریب پوشش بیمه‌ای جمعیت زنان فعال بیمه شده در سازمان تأمین اجتماعی رشد داشته است، به گونه‌ای که از ۳۰ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۵۱/۵ درصد در سال ۱۳۹۴ رسیده است، این بدان معنی است که این سازمان توانسته است ۵۱/۵ درصد از این جمعیت را تحت پوشش خود قرار دهد. سهم زنان از بیمه شدگان حرف و مشاغل آزاد از ۴/۶ درصد در سال نخست برنامه ی چهارم (۱۳۸۴) به ۴۱/۳ درصد در سال آخر برنامه ی پنجم (۱۳۹۴) و سهم زنان از بیمه شدگان اجباری نیز در همین سال‌ها از ۱۵/۸ به ۳۲/۱ رسیده است.

همچنین شاخص ضریب پوشش بیمه‌ای زنان شاغل در سال ۱۳۸۴، ۱۶ درصد بوده است؛ که این رقم در سال ۱۳۹۴ به ۶۰٫۱ درصد رسیده است. این در حالی است که این شاخص در خصوص مردان به ترتیب برابر ۲۵/۳ و ۳۷٫۹ بوده است. بر این اساس رشد ضریب پوشش بیمه‌ای زنان قابل توجه بوده است. ضریب پوشش بیمه‌ای جمعیت زنان غیرفعال که در سال ۱۳۸۴ صفر درصد و در سال ۱۳۸۹، ۰/۴ درصد بوده، در سال ۱۳۹۴ به رقم ۱/۴ درصد افزایش یافته است.

جدول ۴- رشد متوسط شاخص‌های ضریب پوشش بیمه زنان در کشور و استان گیلان طی سال‌های برنامه چهارم و پنجم

ردیف	هدف کمی/عنوان شاخص	واحد متعارف	سال‌های برنامه چهارم		رشد برنامه پنجم / متوسط دوره (درصد)	سال‌های برنامه پنجم					رشد برنامه پنجم / متوسط دوره (درصد)
			۱۳۸۴	۱۳۸۱		۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	
۱	ضریب پوشش بیمه‌ای جمعیت زنان فعال بیمه شده در سازمان تأمین اجتماعی	درصد زنان فعال بیمه شده در کل جمعیت فعال زنان	۱۲٫۸	۲۳٫۱	-	۳۰	۳۴٫۵	۳۹٫۳	۴۲٫۳	۵۱٫۵	-
۲	ضریب پوشش بیمه‌ای جمعیت زنان شاغل بیمه شده در سازمان تأمین اجتماعی	درصد زنان شاغل بیمه شده در تعداد زنان شاغل	۱۶	۳۰	-	۳۸٫۵	۴۳	۴۹٫۹	۵۰٫۲	۶۰٫۳	-
۳	ضریب پوشش بیمه‌ای جمعیت زنان غیرفعال	درصد زنان بیمه‌شده غیرفعال در تعداد کل زنان غیرفعال	۰	۰٫۴	-	۰٫۶	۰٫۶	۰٫۹	۱٫۱	۱٫۴	-

مأخذ: اداره کل تأمین اجتماعی استان گیلان

۵-۱-۱- بهداشت و سلامت

امید به زندگی زنان و مردان استان گیلان طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴ افزایش داشته است؛ اما همواره این میزان برای زنان بیشتر از مردان بوده است. به طوری که میزان امید به زندگی زنان از ۷۲/۹ سال به ۷۵/۸ سال و در مردان از ۷۰/۵ سال به ۷۳/۴ سال افزایش داشته است. به طور کلی می‌توان گفت در حالی که زنان بیش از مردان عمر می‌کنند و مرگ و میر کمتری دارند، ولی به دلیل عوارض ناتوان‌کننده بیماری‌ها که ناشی از شیوع بالاتر بیماری‌های روانی و مشکلات جسمی مزمن مانند: بیماری‌های متابولیک و استخوانی - عضلانی در آن‌ها می‌باشد؛ از کیفیت زندگی پایین‌تری برخوردار هستند و آسیب‌پذیری بیشتری در مقابل بیماری و سایر مشکلات خانوادگی و مسائل اجتماعی دارند.

روند کاهش باروری در کشور از نیمه ی دهه ۱۳۶۰ آغاز شده و به سمت باروری زیرحد جایگزینی سوق یافته است. در استان گیلان در دوره پنج‌ساله ۱۳۹۰-۱۳۸۵ میزان باروری کل ۱/۳ برآورد شده است؛ این مقدار پایین‌تر از رقم مشابه در کشور است که برابر ۱/۸ می‌باشد. نرخ مرگ و میر مادران در استان با کاهش چشمگیری از ۴۰/۹ مرگ درصد هزار تولد زنده در سال ۱۳۸۴ به ۲۲ مرگ در سال ۱۳۹۴ رسیده است که حاکی از اثربخشی اجرای برنامه‌های نظام سلامت می‌باشد.

جدول ۵- رشد متوسط شاخص‌های بهداشت و سلامت در کشور و استان گیلان طی سال‌های
برنامه چهارم و پنجم

ردیف	هدف کمی/عنوان شاخص		واحد متعارف	سال‌های برنامه چهارم		رشد/ متوسط دوره برنامه پنجم (درصد)	سال‌های برنامه پنجم					رشد/ متوسط دوره برنامه پنجم (درصد)
				۱۳۸۴	۱۳۸۹		۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	
				رشد/ متوسط دوره برنامه پنجم (درصد)								
۱	امید به زندگی	کشور	متوسط طول عمر مورد انتظار (سال)	-	-	-	-	-	-	-	-	-
		استان		۷۲,۹	۷۴,۳	۷۴,۷	۷۵,۱	۷۵,۴	۷۵,۷	۷۵,۸		
۲	امید به زندگی	کشور	متوسط طول عمر مورد انتظار (سال)	-	-	-	-	-	-	-	-	-
		استان		۷۰,۵	۷۲,۰۳	۷۲,۳	۷۲,۶	۷۲,۸	۷۳,۱	۷۳,۴		
۳	میزان باروری کل	کشور	میانگین تعداد فرزندان در طول دوران باروری	-	۱/۸	۱/۸	۱/۸	۱/۸	۱/۸	۱/۸	۱/۸	-
		استان		۱,۳	۱,۳	۱,۳	۱,۳	۱,۳	۱,۳	۱,۳		

مأخذ: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان- معاونت آمار و اطلاعات



۶-۱-۱- سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه بانوان و خانواده

جدول ۶- رشد متوسط شاخص سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه بانوان و خانواده در استان
گیلان طی برنامه چهارم و پنجم

ردیف	هدف کمی/عنوان شاخص	واحد متعارف	سال‌های برنامه چهارم		رشد / متوسط دوره برنامه پنجم (درصد)	سال‌های برنامه پنجم					رشد / متوسط دوره برنامه پنجم (درصد)
			۱۳۸۴	۱۳۸۹		۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	
۱	سازمان‌های مردم نهاد در حوزه زنان و خانواده	استان	تعداد	۱۲	۱۷,۶۱	۳۰	۳۲	۳۵	۳۵	۳۵	۲۷

مأخذ: استانداری گیلان- دفتر امور بانوان و خانواده

* از سال ۱۳۹۲ تاکنون سازمان مردم‌نهادی جدیدی در این حوزه رصد نشده است.

۲-۱- تنگناها و چالش‌های بخش بانوان و خانواده

- ۱- افزایش میانگین سن ازدواج
- ۲- نرخ بالای طلاق به ویژه در خانواده‌های نوپا
- ۳- افزایش زنان سرپرست خانوار
- ۴- پایین بودن گرایش زوجین جوان به فرزندآوری
- ۵- روند فزاینده انواع آسیب‌های اجتماعی اثر گذار بر خانواده
- ۶- کاهش کمی و کیفی حضور اعضای خانواده در کانون خانواده
- ۷- وجود ظلم و خشونت علیه زنان و کودکان
- ۸- ضعف در اجرا و نظارت بر برنامه‌های ارتقای سلامت جسمی و روانیدانش آموزان

- ۹- ناهماهنگی بین دستگاههای متولی در حوزه زنان و خانواده
- ۱۰- فقدان زیرساختها و مکانیزمهای مناسب برای مشاغل خانگی
- ۱۱- پایین بودن سهم زنان در سطوح مدیریتی و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی
- ۱۲- عدم برنامه‌ریزی و امکانات مناسب برای استفاده بهینه از اوقات فراغت به خصوص در زنان خانهدار
- ۱۳- افزایش خطرات باروری و ناباروری در اثر افزایش سن ازدواج
- ۱۴- عدم آگاهی کافی زنان در خصوص مسائل تنظیم خانواده، بهداشت و سلامت فردی
- ۱۵- عدم نظارت ویژه بر بازار کار زنان به منظور اطمینان از حسن انجام تعهدات قانونی توسط کارفرما
- ۱۶- وجود موانع برای فعالیت و مشارکت سازمان‌های غیردولتی در حوزه کنترل و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی زنان
- ۱۷- کمبود حمایت‌های اجتماعی از زنان در معرض آسیب و آسیب‌دیده

۲- برنامه راهبردی بخش بانوان و خانواده

۲-۱- اهداف کلی و راهبردهای بخش بانوان و خانواده

ردیف	اهداف کلی	راهبردهای دستیابی به اهداف کلی
۱	تسهیل، تحکیم و تقویت بنیان خانواده	توسعه آگاهی‌ها و مهارت‌های اعضای خانواده بهبود ساختارهای حاکمیتی پشتیبان از تشکیل، گسترش، تحکیم و تعالی خانواده
۲	افزایش سطح آگاهی و باسوادی زنان	بستر سازی و ارتقاء کمی و کیفی آموزش زنان
۳	افزایش فرصت‌های شغلی زنان	ارتقا زمینه‌های نهادی و قانونی لازم برای ایجاد فرصت‌های شغلی حضور فعال زنان در عرصه‌های اشتغال
۴	ارتقاء سطح سلامت و بهداشت زنان	ارتقاء سطح علمی، فرهنگی و هماهنگی بین بخشی مؤثر بر سلامت زنان و خانواده
۵	تقویت جایگاه تشکل‌های مردم نهاد حوزه زنان	گسترش و ارتقاء کارایی تشکل‌های مردمی مرتبط با امور زنان و خانواده

--	--

۳-۲- راهبردهای دستیابی به اهداف کلی، سیاست ها و اقدامات اساسی بخش بانوان و خانواده

ردیف	راهبرد ها	سیاست ها	اقدامات اساسی
	توسعه ی آگاهی ها و مهارت های اعضای خانواده	فرهنگ سازی و ارتقاء سطح آگاهی های جامعه نسبت به جایگاه، نقش و کارکردهای خانواده	برگزاری دوره های آموزشی مهارت های زندگی
			توسعه مراکز و کلینیک های مشاوره (حقوقی، روانشناسی، پزشکی و مذهبی) خانواده
			الزامی شدن آموزش های پیش و پس از ازدواج
			اجرای دوره های آموزشی جنسیت محور
۱	بهبود ساختارهای حاکمیتی پشتیبان از تشکیل، گسترش، تحکیم و تعالی خانواده	ظرفیت سازی برای ایجاد رویکرد نظامند در برنامه ریزی ها و سیاست گذاری ها به منظور تحکیم و تقویت خانواده	هماهنگی و همگرایی بین کلیه ی دستگاه های مرتبط فرهنگی، آموزشی و اجتماعی برای توسعه ی آگاهی ها و مهارت های زنان و مردان
			توسعه مراکز و کلینیک های مشاوره (حقوقی، روانشناسی، پزشکی و مذهبی) خانواده
			ایجاد نظام شناسایی خانواده های در معرض آسیب و آسیب دیده
			اجرای برنامه های توانمندسازی خانواده های در معرض آسیب و آسیب دیده
۲	بستر سازی و ارتقاء کمی و کیفی آموزش	افزایش سطح پوشش و ارتقاء	اعطای مشوق های تحصیلی به خانواده های محروم و کمتر برخوردار دارای دانش آموز دختر
			افزایش کمی و کیفی مدارس، مراکز آموزشی شبانه روزی و خدمات آموزشی دختران به ویژه در مناطق محروم و کمتر برخوردار
			توسعه کمی - کیفی مراکز آموزش فنی - حرفه ای ویژه بانوان
			ارایه آموزش های مهارت افزایی و حرفه آموزی و بازار یابی به زنان

ردیف	راهبرد ها	سیاست ها	اقدامات اساسی
۳	ارتقا زمینه‌های نهادی و قانونی لازم برای ایجاد فرصت‌های شغلی حضور فعال زنان در عرصه‌های اشتغال	ساماندهی و حمایت از شکل‌گیری نهادهای حمایتی، مجامع و شبکه‌های حرفه‌ای خاص معیشت و اشتغال و کارآفرینی زنان با تاکید بر توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد	ایجاد رشته‌های تحصیلی جدید برای بانوان متناسب با نیازها و ظرفیت‌های استان
			افزایش ظرفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، هنرستان و کار و دانش دخترانه
			اجرای طرح‌های کارورزی خاص دختران جوان تحصیل کرده دانشگاهی
			ایجاد مراکز تربیت کار آفرینی زنان
			ایجاد سیستم هوشمند بین ثبت و احوال برای پوشش کامل دانش آموزان دختر لازم‌التعلیم
			تقویت نظارت بر بخش خصوصی و حل اختلاف
			تبدیل وضعیت استخدامی زنان سرپرست خانوار
			توسعه‌ی مشاغل خانگی و صنایع کوچک برای زنان با اولویت طرح‌های اولویت دار و دارای توجه اقتصادی
			حمایت از سرمایه‌گذاری در صنایع وابسته به کشاورزی با رویکرد توسعه‌ی اشتغال زنان روستایی
			ایجاد زمینه‌های کارآفرینی برای زنان و دختران صاحب ایده، مهارت و تحصیل کرده
ارایه خدمات مشاوره شغلی و کارآفرینی به دانشجویان دختر در دانشگاه‌ها			
حمایت از راه‌اندازی مراکز رشد و توسعه کارآفرینی زنان			
راه‌اندازی صندوق اعتبار خرد زنان روستایی و عشایری و صندوق غیر دولتی حمایت از توسعه فعالیت‌های زنان روستایی و عشایری			
بازاریابی و بازار سازی برای فعالیت‌های اقتصادی زنان از طریق ایجاد بازارچه‌های عرضه و فروش محصولات			
اعطای تسهیلات به دختران فارغ‌التحصیل دانشگاهی با رویکرد کسب و کار سبز و روستا محور در انواع رشته‌های کشاورزی شیلات دام پروری صنایع دستی و گردشگری متناسب با استان			

ردیف	راهبرد ها	سیاست ها	اقدامات اساسی
			ایجاد بانک های اطلاعاتی و گسترش نظام اطلاع رسانی مورد نیاز متقاضیان کار، کارفرمایان، سرمایه گذاران زن
			کارگری و کارفرمایی و اشتغال زنان از سوی دستگاه ها و مراجع ذیربط
		ارتقا هویت و تامین اجتماعی زنان	فرهنگ سازی و ارتقاء سطح آگاهی زنان درخصوص بیمه زنان خانه دار و بیمه عشایری و روستایی
			حمایت از اشتغال های غیر رسمی زنان
		فرهنگ سازی و ترویج سبک زندگی سالم روحی و جسمی و توانمندسازی زنان و افزایش آگاهی های عمومی درخوزه سلامت جسمی و روانی	طراحی و اجرای تحقیقات مرتبط با مشکلات جسمی، روانی و اجتماعی زنان و راهکارهای بهبود آن
			اجرای دقیق طرح خود مراقبتی فردی و اجتماعی در سطح استان
			فرهنگ سازی جهت پیاده سازی شیوه های زندگی سالم و ایمن در خانواده
۴	ارتقاء سطح علمی، فرهنگی و هماهنگی بین بخشی مؤثر بر سلامت زنان و خانواده	تمرکز بر پیشگیری از بیماری و کنترل و مدیریت عوامل خطر سلامت زنان با تاکید بر عوامل شایع و فراگیر در زنان	ارائه ی خدمات پیشگیری اولیه و غربالگری بیماری ها و سرطان های شایع در زنان با تعرفه ی دولتی برای تمامی زنان
			پیشگیری و کنترل بیماری های با اهمیت و شایع در گروه های سنی مختلف و محیط زندگی
			توسعه ی زیرساخت ها و اجرای طرح های تامین خدمات مورد نیاز سلامت بانگاه ویژه به گروه های در معرض خطر
			تقویت همکاری های بین بخشی جهت پیاده سازی موفق برنامه های توسعه سلامت در استان
		ارتقاء هماهنگی های بین بخشی مؤثر بر سلامت زنان و خانواده	ایجاد نظام جامع اطلاعات بهداشت و سلامت زنان
			پایش، نظارت و ارزشیابی مستمر سلامت زنان و خانواده

ردیف	راهبردها	سیاستها	اقدامهای اساسی
۵	گسترش و ارتقاء کارایی تشکلهای مردمی مرتبط با امور زنان و خانواده	اعتمادسازی و تقویت ارتباط و تعامل موثر میان دولت و سازمانهای مردم نهاد حوزه ی زنان و خانواده	واسپاری بخشی از فعالیت های دولتی به نهادهای مدنی فعال در حوزه زنان و خانواده
			تقویت تعاملات با بخش دولتی و شبکه سازی بین سازمانهای مردم نهاد مرتبط
		افزایش توانمندی ها، ظرفیتها و مهارتهای سازمانی سازمانهای مردم نهاد حوزه زنان و خانواده	ایجاد مشوق های ویژه در همکاری های شبکه ای سازمان های مردم نهاد زنان و خانواده
			تسهیل ایجاد تشکلهای غیردولتی مرتبط با حوزه ی زنان و خانواده
			راه اندازی بانک اطلاعات سازمان های مردم نهاد فعال درحوزه زنان و خانواده

بودجه استان گیلان - غیر قابل استناد